

ارزیابی میزان انطباق برنامه درسی اخلاق اسلامی با نیازهای دانشجویان

سیفاله فضل‌الهی قمشی¹
فائزه ناطقی²
محمد سیفی³

چکیده

هدف: این مقاله، ارزیابی میزان انطباق برنامه درسی اخلاق اسلامی دانشگاهها با نیازهای دانشجویان از دیدگاه دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی قم بوده است. **روش:** روش تحقیق، توصیفی - پیمایشی بوده و جامعه آماری آن، 243 دانشجوی اخلاق اسلامی و نمونه آماری 148 نفر بودند که به شیوه تصادفی ساده انتخاب شدند. ابزار جمع‌آوری اطلاعات، پرسشنامه محقق‌ساخته حاوی 20 سؤال با پایایی 0,86 بر اساس آلفای کرانباخ بود. برای تجزیه و تحلیل اطلاعات، علاوه بر آمار توصیفی، از آزمون Z تک‌گروهی و تحلیل واریانس یک‌راهه (F) استفاده شد. **یافته‌ها:** اخلاق اسلامی با نیازهای فردی، اجتماعی، توقعات سازمانها و نهادها انطباق دارد. برنامه درسی اخلاق اسلامی بیشترین تناسب را با سبک زندگی اسلامی و کمترین تناسب را با علائق و انگیزه‌های فردی دانشجویان دارد. با وجود مطلوبیت نسبی انطباق برنامه درسی اخلاق با توقعات سازمانها و نهادهای اجتماعی در مقایسه با نیازهای فردی و اجتماعی دانشجویان، میزان این تفاوت معنادار نیست. **نتیجه‌گیری:** افزایش اثربخشی برنامه درسی اخلاق اسلامی مستلزم نیازسنجی به عنوان تنها منبع اهداف و محتوای برنامه درسی است..

واژگان کلیدی: ارزیابی، میزان انطباق، اهداف، نیازها، دانشجویان.

دریافت مقاله: 94/12/01؛ تصویب نهایی: 95/08/15.

1. دکترای برنامه ریزی درسی، استادیار گروه برنامه‌ریزی درسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد قم (نویسنده مسئول) / نشانی: قم، پردیسان‌بلوار دانشگاه، دانشگاه آزاد اسلامی واحد قم / نمابر: 02532806061 / Email: fazlollahi@yahoo.com
2. دکترای برنامه ریزی درسی، استادیار گروه برنامه‌ریزی درسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد اراک، اراک، ایران.
3. دکترای برنامه ریزی درسی، استادیار گروه برنامه‌ریزی درسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد اراک، اراک، ایران.

الف) مقدمه

نظام آموزش عالی هر کشور، یکی از عوامل مؤثر در تحقق سیاستهای توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی به شمار می‌رود. تربیت نیروی انسانی متخصص و کارآموده به عنوان اساس توسعه همه‌جانبه و تولید دانش، توسط دانشگاهها و مراکز آموزش عالی انجام می‌گیرد و اصول جهان‌بینی و نظام اعتقادی و ارزشی جامعه را در خود متجلی می‌سازند و با تربیت متفکران و دانشمندان و مدیران آینده، در جهت بخشیدن به حرکت‌های گوناگون فکری، اعتقادی، فرهنگی و سیاسی جامعه مؤثر واقع می‌شوند. از اینجا می‌توان گفت که دانشگاههای مختلف جهان، علاوه بر اشتراکاتی که به اعتبار دانشگاه بودن با یکدیگر دارند، به اعتبار تعلق به جوامعی با بینشها و ارزشهای مختلف، واجد خصوصیات اندکی که آنها را از یکدیگر متفاوت و متمایز می‌سازد.

جامعه ایرانی که در انقلاب اسلامی خود با رویکردی الهی و معنوی، جهان‌بینی و نظام ارزشی اسلامی را مبنای شئون گوناگون زندگی خود قرار داده، خواهان آن است که دانشگاههایی متناسب با مبانی و ارزشهای اسلامی داشته باشد تا با تربیت متفکران و مدیران بر وفق آن مبانی و معیارها، به ترویج و تعمیم آنها در کل جامعه مبادرت کند (سند دانشگاه اسلامی، 1392: 3). برنامه‌های درسی از مهم‌ترین ابزارهای تحقق این مهم محسوب می‌شوند که با ایجاد تراش هویتی و فرهنگی، جوامع را از هم متمایز می‌کنند.

برنامه درسی به محتوای رسمی و غیر رسمی، فرایند، محتوا، آموزشهای آشکار و پنهان اطلاق می‌شود که به وسیله آنها فراگیر تحت هدایت مدرسه، دانش لازم را به دست می‌آورد، مهارتها را کسب می‌کند و گرایشها، قدرشناسی‌ها و ارزشها را در خود تغییر می‌دهد. (ملکی، 1390: 32)

برنامه‌ریزی درسی، پیش‌بینی کلیه فعالیت‌هایی است که یادگیرنده تحت رهبری و هدایت استاد در کلاس (و گاهی اوقات خارج از آن) برای رسیدن به هدفهای معین باید انجام دهد. به سخن دیگر؛ برنامه‌ریزی درسی عبارت است از پیش‌بینی و تهیه مجموعه فرصتهای یادگیری برای جمعیتی مشخص به منظور نیل به آرمانها و هدفهای آموزش عالی، که معمولاً در محیط کلاسهای دانشگاه انجام می‌گیرد. (تقی‌پور، 1391: 41-42)

در نظام آموزش عالی کشورمان، گروه معارف دانشگاهها جزء گسترده‌ترین گروههای درسی است که مسئولیت آموزش و انتقال معارف دینی به دانشجویان را بر عهده دارد و تمام دانشجویان ملزم به گذراندن دروس این گروه می‌باشند. با توجه به نقش دانشجویان به عنوان اداره‌کنندگان آینده ایران اسلامی، برنامه‌های درسی گروه معارف یکی از مهم‌ترین فرصتها در جهت انتقال معارف و تربیت دینی به دانشجویان و اسلامی کردن دانشگاههاست (فضل‌الهی، 1395: 132). دروس معارف اسلامی و از جمله درس اخلاق اسلامی،

471 ارزیابی میزان انطباق برنامه درسی اخلاق اسلامی با نیازهای دانشجویان

با هدف آشنایی دانشجویان با مبانی و مفاهیم اخلاق اسلامی در حوزه فضایل و رذایل اخلاقی، به منظور کسب فضیلتها و پرهیز از رذیلتها، اخلاقی و به دلیل نقش آفرینی که در جهت اسلامی شدن مراکز آموزش عالی و ارائه خدمات فرهنگی مناسب با سبک زندگی اسلامی دارند، بی تردید از حساسیت بالایی برخوردارند. ارزیابی واقع‌بینانه برنامه درسی می‌تواند نقش سازنده‌ای در ارتقا و بهبود اثربخشی برنامه درسی داشته باشد تا از طریق افزایش میزان همسویی برنامه درسی با نیازهای دانشجویان، زمینه برای تحقق اهداف دانشگاه اسلامی فراهم شود. بر این اساس، تحقیق حاضر در صدد است میزان همسویی برنامه درسی درس اخلاق اسلامی را با نیازهای دانشجویان بر اساس دیدگاه دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی قم ارزیابی کند. از این رو، با توجه به جایگاه اخلاق و به ویژه اخلاق اسلامی در تعلیم و تربیت اسلامی و عنایت نظام جمهوری اسلامی در متخلف شدن فراگیران به اخلاق اسلامی به عنوان برنامه درسی حمایت‌شده در راستای حفظ و توسعه شعائر اسلامی و نقش تأثیرگذار دانشجویان و دانشگاهها در توسعه و ترویج فرهنگ و سبک زندگی اسلامی، به نظر می‌رسد ارزیابی برنامه درسی اخلاق اسلامی می‌تواند در اصلاح، بازسازی، تغییر و بهینه‌سازی آن برای پیشبرد اهداف نظام آموزشی بسیار سودمند باشد. بر این اساس، سؤالات تحقیق عبارتند از:

1. برنامه درسی اخلاق اسلامی دانشگاهها تا چه حدی با نیازها و علائق فردی دانشجویان تناسب دارد؟
2. برنامه درسی اخلاق اسلامی تا چه حدی با نیازهای اجتماعی دانشجویان تناسب دارد؟
3. برنامه درسی اخلاق اسلامی تا چه حدی با توقعات سازمانها و نهادهای اجتماعی از اخلاق دانشجویان همسویی دارد؟
4. آیا بین میزان همسویی برنامه درسی اخلاق اسلامی با نیازهای فردی، اجتماعی و توقعات سازمانها و نهادهای اجتماعی تفاوت معناداری وجود دارد؟

ب) ادبیات تحقیق

آرتور ویر¹ (1986) ارزشیابی را در معنی عام تعیین ارزش یا اهمیت یک چیز و به صورت خاص تر، تعیین میزان موفقیت اولیه آنها می‌داند. ورتن و سندرز² (1987) از صاحب‌نظران حوزه ارزشیابی آموزشی، معتقدند در آموزش و پرورش،

1. Artour Weber

2. Worthen & Sanders

ارزشیابی به فعالیتی رسمی گفته می‌شود که برای تعیین کیفیت، اثربخشی، یا ارزش یک برنامه، پروژه، فرایند، هدف یا برنامه درسی به اجرا درمی‌آید. (خورشیدی، 1382؛ سیف، 1391)

در طراحی برنامه درسی نیازسنجی و تعیین اهداف برنامه درسی مهم‌ترین و حیاتی‌ترین گام محسوب می‌شود؛ زیرا معتقدند آموزش گران است و باید زمانی استفاده شود که راهی جز آموزش وجود نداشته باشد. به طور حتم، آموزش بدون توجه به نیازها نه تنها مؤثر نخواهد بود، بلکه زمینه‌ساز برنامه‌ریزی خطی خواهد شد. لذا در برنامه‌ریزی درسی، ارزشیابی جایگاه بسیار والایی پیدا کرده و شامل ارزشیابی قبل از برنامه‌ریزی یا نیازسنجی¹ برای سنجش محورهای اساسی برنامه درسی و نظارت بر تعیین اهداف و مقاصد، ارزشیابی تکوینی یا در زمان طراحی، تدوین و ساخت برنامه درسی برای شناسایی و رفع اشکالات و عدم تناسب احتمالی برنامه با محیط یادگیری و یادگیرندگان، ارزشیابی پایانی در مورد تعیین اثربخشی برنامه و میزان شکاف بین تأثیر پیش‌بینی شده با آنچه عملاً اتفاق افتاده است و ارزشیابی پی‌گیر² برای تعیین اثرات برنامه درسی در یک مقطع خاص بر نحوه فعالیت و توانایی یادگیرنده در برنامه‌های درسی مقاطع بعدی می‌شود (فخی و اجارگه، 1388: 38-39). فرایند ارزشیابی اساساً فرایند تعیین میزان تحقق هدفهای آموزش و پرورش از طریق برنامه‌های درسی و آموزشی است. از آنجا که هدفهای آموزش و پرورش بیانگر تغییراتی‌اند که در رفتارهای انسان به وجود می‌آیند و غرض نهایی از تدوین هدفها، ایجاد تغییرات مطلوب در الگوهای رفتاری فراگیران است؛ بنابراین، ارزشیابی نیز عبارت از فرایند سنجش میزان تغییرات در رفتارهایی که واقعاً صورت گرفته است خواهد بود. (تقی‌پورظهير، 1391: 125)

اولین تعریف رسمی از ارزشیابی به نام *رالف تایلر*³ (1948) ثبت شده است. وی ارزشیابی را وسیله‌ای برای تعیین میزان موفقیت برنامه در رسیدن به هدفهای آموزشی مطلوب می‌داند (فخی و اجارگه، 1389: 271). امروزه ارزشیابی به یک فرایند نظام‌دار برای جمع‌آوری، تحلیل و تفسیر اطلاعات گفته می‌شود که تعیین می‌کند آیا هدفهای مورد نظر تحقق یافته‌اند یا در حال تحقق یافتن‌اند و به چه میزان؟ ارزشیابی آموزشی نظام‌دار در برگیرنده سنجش رسمی ارزش پدیده‌های آموزشی است (مهرمحمدی، 1381: 30). ارزشیابی عبارت است از جمع‌آوری اطلاعات برای تصمیم‌گیران، که با هدف تعیین شایستگی و ارزش (اسکریون،⁴ 2007) (نقل از بازرگان، 1380)، دستیابی به خط مشی‌های بهتر عملیاتی‌سازی (بارود، 2010) (نقل از فضل‌الهی قمی، 1395: 134)، بهبود کیفیت برنامه درسی (استافل‌بیم و شین‌فیلد،⁵ 2007) (نقل از موسی پور، 1385) استفاده می‌شود. برداشتهای مختلف از ارزشیابی، باعث شکل‌گیری الگوهای متعددی شده و صاحب‌نظرانی از جمله: اسکریون (1967)، پوپام⁶ (1982)، ورتن و سندرز (1987) (نقل از: بازرگان، 1380) و استافل‌بیم (1999)، آنها را به شکلهای متعدد دسته‌بندی کرده‌اند. اما در هر الگو، برخی عناصر از ارزش یا شایستگی بیشتری برخوردار بوده (تورکیم،⁷ 2006) (نقل از فضل‌الهی قمی و همکاران،

1. Curriculum Evaluation
2. Follow-up Evaluation
3. Tyler
4. Scriven
5. Stufflebeam & Shinkfield
6. Popham
7. Trochim

473 **◆** ارزیابی میزان انطباق برنامه درسی اخلاق اسلامی با نیازهای دانشجویان

1394)، دسترسی به اطلاعات جامعی نسبت به برنامه درسی را دشوار کرده است (تن، لی و هال،¹ 2010) نقل از فضل الهی قمی، 1395). ارزشیابی برنامه درسی باید با آگاهی کامل از تمامی عناصر و سطوح آن، از جمله سطوح برنامه درسی قصد شده، اجرا شده و تجربه شده (کلین،² 1369؛ گودلد،³ نقل از: سیلور و همکاران، 1378) صورت پذیرد. از طرفی، ارزشیابی زمانی نتایج قابل اتکایی فراهم می‌آورد که به طور جامع و با استفاده از منابع اطلاعاتی مناسب (باندی و باندی،⁴ 2003) نقل از فضل الهی، 1395: 134) و طبق شاخصهای مناسب، طراحی و اجرا شود. ویژگی‌ها و شاخصهای ارزشیابی، روشن، کمی یا کیفی و قابل سنجش اند که معمولاً برای سیاستگذاری و طبقه‌بندی عوامل به کار می‌روند. (گروه مشاوران یونسکو، 1378)

ج) ارزشیابی و فرایندهای نوپدید

در شرایط امروزی، توجه به ارزشهای انسانی و درک ارزشهای اخلاقی و معنوی، یکی از هدفهای اساسی تعلیم و تربیت است. با توجه به بحرانهای جدید اجتماعی، مثل خشونت، افزایش مواد مخدر، بی‌بندوباری و محرومیت، جوانان از آسیب‌پذیرترین گروههای متأثر از هر گونه تغییر و تحول اجتماعی‌اند. برای حل این معضلات باید به سمت تعادل بین ابعاد مختلف رشد مادی و فناوری و رشد اخلاقی و معنوی رفت. برنامه درسی باید بیش از گذشته در جهت‌گیری خود به آموزش باورها و ارزشهای دینی و اخلاقی حساسیت نشان دهد. در رویکرد اخلاقی، برنامه‌های درسی ابزاری مؤثر در رشد و توسعه فضایل اخلاقی و مهارتهای اجتماعی در فراگیران است و آنان را برای برخورد مناسب با مسائل و موضوعات جدید آماده می‌سازد. برای تربیت اخلاقی می‌توان سه بُعد شناختی، عاطفی و عملی را در نظر گرفت.

در این ابعاد، توانایی‌ها و قابلیت‌هایی از حیث دانش، گرایش و عمل در فرد پدید می‌آید. در بُعد شناختی: توسعه و تعمیق آگاهی‌ها، اطلاعات و دانش و بینش اسلامی و استقلال فکری، مقابله با اشاعه عقاید و افکار انحرافی و فاسد در میان دانشجویان، حمایت و هدایت فکری در راهبردهای دانشجویان به صورت فردی یا اجتماعی، کمک به حل مسائل اعتقادی دانشجویان (رفع نیازهای بیش‌تری و دانشی) و تبیین آموزه‌های دینی برای دانشجویان در خصوص مسائل جدید (پاسخگویی به مسائل جدید فکری)؛ در بُعد عملی و رفتاری: ارتقای ارزشهای دینی در رفتارهای فردی و اجتماعی دانشجویان، نهادینه شدن هنجارهای رفتاری مثبت دینی، پاسخگویی به نیازهای رفتاری (نیازهای رفتاری، آسیب‌شناسی رفتاری، تقویت رفتارهای مثبت و ...)، کسب مهارت زندگی امروزی بر اساس ارزشهای دینی و تقویت شیوه‌های عملی زیست دینی در سطح فردی و اجتماعی در میان دانشجویان؛ و در بُعد عاطفی و روان‌شناختی: تقویت روح خودباوری، کمک در هویت‌یابی درونی (فردی) و اجتماعی و افزایش غرور دینی، کسب و افزایش

1. Tan, Lee & Hall
2. Klien
3. Goodlad
4. Bondi & Bondi

نشاط درونی، مثبت‌نگری دینی، رضایتمندی درونی و معنویت‌گرایی، تقویت روح معنویت و حس کنجکاو دینی (مجیدی و فاتحی، 1385) پیگیری می‌شود و درس اخلاق اسلامی به صورت ویژه به منظور آشنایی دانشجویان با مبانی و مفاهیم در حوزه فضایل و رذایل اخلاقی، در راستای کسب فضایل و پرهیز از رذایل اخلاقی ارائه شده است. (معاونت امور دفاتر، اساتید و ...، 1391: 52)

اعتقاد بر این است که برنامه‌های درسی اعم از پنهان یا آشکار، هویت ملی هر جامعه‌ای را تعیین می‌کنند. به طور حتم، جامعه اسلامی ما نیز برای صیانت از ارزشهای اسلامی باید بتواند از برنامه‌های درسی مناسب برای تحکیم ارزشهای اسلامی و اخلاقی بین نسل جوان و سازنده استفاده کند؛ امری که در قالب دروس معارف اسلامی و به ویژه درس «اخلاق اسلامی» به منظور ایفای نقش دانشگاه؛ یعنی ساختن انسان شکل گرفته، تلاش شود تا علاوه بر افزایش شناخت و سطح آگاهی دانشجویان نسبت به تفکر دینی و اطلاع از ارزشهای اسلامی، تغییرات اساسی در رفتار و عادت آنان ایجاد شود. تحقق این امر، مستلزم توجه جدی به اصول برنامه‌ریزی درسی است. اصولی که سیلور و همکارانش در قالب دیدگاه‌های سنتی، پویا و سازنده در انتخاب محتوا نقل کرده‌اند، حاوی نکات مثبتی نظیر در اختیار قرار دادن دریافت درستی از ساخت اساسی رشته، وادار کردن دانشجویان به تفکر، انتقال میراث فرهنگی، تواناسازی فراگیران برای سازگاری و انطباق بهینه با تغییر و تحولات اجتماعی (فخی و اجارگه، 1388: 121)، بازسازی و تجدید نظر در برنامه‌های درسی، تأکید بر موضوعات مسئله‌محور نظیر روابط انسانی، حقوق بشر و... است.

همان‌گونه که اشاره شد، استفاده از برنامه‌های درسی مسئله‌محور یا روش حل مسئله، نه تنها موجب دستیابی فراگیران به مجموعه‌ای از هدفهای ناظر بر رشد عقلانی می‌شود، بلکه حل مسئله به صورت گروهی، بستری مناسب برای دستیابی به بسیاری از هدفهای ناظر به تربیت اخلاقی مانند مسئولیت‌پذیری، رعایت حقوق دیگران، ارزشگذاری به کار دیگران و در نظر گرفتن عدالت در بحث و گفتگو خواهد بود. همچنین صرف نظر از موضوعی که تدریس می‌شود، ارزشهای الهی باید به منزله جنبه جدایی‌ناپذیر یادگیری‌ها در برنامه درسی گنجانده شوند. برنامه‌ریزان درسی می‌توانند در سازماندهی فعالیتهای به‌گونه‌ای عمل کنند که دستیابی دانشجویان به اهداف تعیین‌شده اخلاقی و درونی ساختن هر یک از ارزشهای یاد شده، به منزله جزئی جدایی‌ناپذیر از شخصیت آنها میسر شود.

رشد اخلاقی و مذهبی از طریق تعامل اجتماعی و هنگامی که شخص با یک مسئله اخلاقی و مذهبی در چالش است و در معرض استدلال اخلاقی سطوح بالاتر قرار می‌گیرد، اتفاق می‌افتد. در این میان با توجه به عنصر تغییر، آنچه ضروری به نظر می‌رسد تعطاف‌پذیری و پویایی برنامه‌های درسی است. نابهنگام بودن یا پاسخگو نبودن برنامه درسی دینی و اخلاقی در یک زمینه یا موضوع خاص درسی نسبت به شرایط متحول اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی، تاریخی و علمی جامعه، اعم از جامعه محلی، ملی و بین‌المللی، شکلی از برنامه درسی پوچ پنهان را به نمایش می‌گذارد که نیازمند توجه لازم است. برنامه درسی به‌عنوان قلب نظام تعلیم و تربیت، نقش کلیدی و حساسی در تغییر و اصلاح نظام آموزشی ایفا می‌کند. توجه به امر ارزشیابی مستمر برنامه‌های درسی در سطوح گوناگون در راستای اصلاح، بهبود، توسعه، بازسازی و تجدید نظر را موجه می‌سازد.

475 **♦** ارزیابی میزان انطباق برنامه درسی اخلاق اسلامی با نیازهای دانشجویان

با توجه به مطالب بیان شده؛ یادگیری در هر ساحت و عرصه‌ای که در دستور کار نظام آموزشی قرار داشته و از طریق برنامه‌های درسی¹ به‌عنوان مهم‌ترین محمل و وسیله آموزش² به فراگیران عرضه می‌شود، لاجرم در صدد نیل به اثربخشی در عرصه‌هایی مانند تربیت علمی و فناوری، تربیت بدنی و زیستی، تربیت سیاسی و اجتماعی، تربیت هنری و زیبایی‌شناختی، تربیت حرفه‌ای و اقتصادی، تربیت ارزشی، اخلاقی و دینی و... است. نظامهای آموزشی از قیل تأکید بر چنین انگاره بلندپروازانه‌ای از اثربخشی یا معیار آموزش مطلوب، دست از تلاش برای ارتقای کیفیت نخواهند کشید و با پیش رو گذاشتن افق برانگیزاننده‌ای از مطلوبیت، کنشگران این نظامها مستمراً به تلاش و تکاپوی بیشتر فراخوانده و هويت پیدا می‌کنند (مهر محمدی، 1392: 83). این آموزش اثربخش، هويت مخاطبان را دستخوش تغییر و تحول کرده، در آنها تراش هویتی متناسب با موضوع آموزش ایجاد می‌کند. به دیگر سخن؛ متربی پس از آنکه در معرض آموزش قرار گرفت، به موجودی دیگر تبدیل می‌شود و نسبت او با افراد و گروههای اجتماعی تفاوت خواهد کرد؛ بدین معنا که با افراد و گروههایی احساس نزدیکی و قرابت روحی، ذهنی و رفتاری بیشتری کرده و افراد و گروههایی را از این جهت از خود دورتر می‌یابد.

در نظام اسلامی که ماهیت آن بر پایه ارزشهای الهی بنا نهاده شده است، باید ارزشها، به ویژه ارزشهای اخلاقی مبتنی بر آموزه‌های اسلامی و دینی و برنامه‌ریزی برای تقویت آنها، مأموریت اصلی نظام آموزش عالی را تشکیل دهد. در اهمیت نقش دانشگاه در سرنوشت یک ملت، همین بس که امام خمینی (ره) می‌فرماید: «اگر دانشگاه اصلاح شود، مملکت اصلاح می‌شود». دانشجویان از مهم‌ترین سرمایه‌های انسانی و آینده‌سازان جامعه‌اند. توجه به رشد و تعمیق مبانی و اندیشه‌های فکری و فضایل اخلاقی آنان، وظیفه دولت اسلامی است. فلسفه وجودی گنجاندن دروس معارف اسلامی در دانشگاهها، کمک به دانشگاهها در ایفای نقش ذاتی و مأموریت اساسی آنها؛ یعنی انسان‌سازی است (مجیدی و فاتحی، 1385: 43). نظام آموزش عالی ایران به عنوان یک نظام ایدئولوژیک و اسلامی که بر پایه مبانی اعتقادی اسلام تأسیس شده است (لویه، 1379: 11)، وظیفه دارد از طریق نهادهای فرهنگی، باورها، اعتقادات اسلامی و ملی را به کودکان و نوجوانان آموزش دهد و ارزشها را در وجود آنان نهادینه سازد. نظام ارزشی تاروپود اصلی جامعه را تشکیل می‌دهد و بسیاری از موفقیتها و شکستها از قوت یا ضعف ارزشها ریشه می‌گیرند (ملکی و بزرگی، 1384: 3).

بنابر این، برنامه‌های درسی باید بتوانند در کنار تولید دانش، به ترویج فرهنگ و ارزشهای اسلامی در جامعه مبادرت ورزند؛ موضوعی که پس از استقرار نظام اسلامی، در قالب برنامه درسی دروس معارف اسلامی (مصوبه جلسه 339 شورای عالی برنامه‌ریزی مورخ 1376/2/14) به منصفه ظهور رسید. بر اساس این مصوبه، دانشجویان از بین حدود 40 واحد درس معارف اسلامی، باید 14 واحد درسی را به صورت اختیاری انتخاب و پاس کنند. یکی از دروس معارف اسلامی، درس دو واحدی «اخلاق اسلامی؛ مبانی و مفاهیم» است که هدف آن، آشنا کردن دانشجویان با فضایل و رذایل اخلاقی در راستای کسب فضایل و پرهیز از رذایل اخلاقی است (معاونت امور دفاتر، اساتید و...، 1391: 51). یقیناً درس اخلاق اسلامی نقش

تعیین کننده‌ای در تحقق اهداف ارزشی دانشگاهها می‌تواند در پی داشته باشد؛ به شرطی که بتواند با ایجاد پلی بین محتوای برنامه با نیازهای دانشجویان شرایط درونی مناسب را برای یادگیری مهیا سازد. بر اساس دیدگاه تناسب شخصی،¹ فرض بر این است که یاددهنده باید برنامه‌های درسی را بر اساس مسائل و نیازهای فراگیران و همکاری وی تدوین کند. بنابر این، یادگیری معنادار در گرو مشارکت فعال یادگیرنده و داشتن حق انتخاب در زمینه مسائل برنامه درسی است (ضحی و اجارگه، 1389: 58). از سوی دیگر، یکی از استدلالهای زیربنایی این دیدگاه از برنامه درسی آن است که نوع بشر موجودی محرک‌جو² است. به این اعتبار، وظیفه سازمانهای آموزشی و دانشگاهها آن است که محیطی غنی از منابع را برای دانشجویان فراهم کنند تا آنان بتوانند نه از روی اجبار، بلکه با استفاده از انگیزه‌های ذاتی به یادگیری پردازند. این نقطه نظر بر این فرض مبتنی است که رشد ارگانیسم فرایندی از درون آغاز شده و به بیرون ختم می‌شود و نه از بیرون به درون. پس باید فرایند تعلیم و تربیت، خود دانشجو و نیازها و مسائل او را در کانون توجه قرار دهد و عوامل و مسائل بیرونی را به عنوان انگیزه و محرک یادگیری قلمداد نکند. در این دیدگاه، مربی به مثابه یک مجسمه‌ساز تلقی نمی‌شود که بتواند گل را به شکل دلخواه شکل دهد، بلکه او همانند یک باغبان خوب است که اگرچه نمی‌تواند شالوده و استعدادها را تغییر دهد، اما می‌تواند محیط مساعدی را برای رشد توانایی‌ها و استعداد آنها فراهم سازد (همان: 59). بنابر این، علایق و توانایی‌های فراگیران به عنوان منبع اساسی اهداف و محتوای برنامه درسی باید در نظر گرفته شود.

در دیدگاه سازگاری اجتماعی³ و بازسازی اجتماعی⁴ که اهداف و محتوای برنامه درسی را از طریق تجزیه و تحلیل جامعه استخراج می‌کنند، معتقدند برنامه درسی باید در خدمت وضع نیازهای اجتماعی باشد و برنامه‌هایی را تدارک ببیند که این نیازها را مرتفع سازند. درس اخلاق اسلامی برای اثربخشی بیشتر باید بتواند نیازهای دانشجویان را در حوزه اخلاق برآورده کند. این درس باید با نیازها و ویژگی‌های فردی و علائق و انگیزه‌های آنان هماهنگ بوده، متناسب با رشد شناختی و اجتماعی، برطرف‌کننده مشکلات اخلاقی در زندگی واقعی و تأمین‌کننده نیاز آنان در حوزه اخلاق دانشگاهی و حرفه‌ای باشد و در عین حال به آنان در کسب عزت نفس، خودمختاری و استقلال اخلاقی مؤثر بوده، راه تعالی و توسعه را به آنان نشان دهد و کمک کند فضیلت و رذیلت اخلاقی را تشخیص داده، راه سعادت و رستگاری را پیدا کنند.

تحقیق حاضر با هدف ارزیابی میزان انطباق و همسویی برنامه درسی درس اخلاق اسلامی دانشگاهها با نیازهای دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی واحد قم، در صدد است تا از این رهگذر، اطلاعات مفید و مؤثری برای مدیران و برنامه‌ریزان درس مذکور در راستای اصلاح،⁵ بهبود،¹ تغییر،² نوآوری³ و ارتقای برنامه درسی اخلاق اسلامی دانشگاهها فراهم کند.

1. Personal Relevance
2. Stimulus- Seeking
3. Social Adaptation
4. Social Reconstruction
5. Reform

د) روش تحقیق

روش تحقیق از نظر اهداف، کاربردی و به لحاظ شیوه جمع‌آوری اطلاعات، توصیفی از نوع پیمایشی است. جامعه آماری شامل 240 نفر از دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی واحد قم بودند که در نیمسال دوم سال تحصیلی 93-94 درس اخلاق اسلامی را انتخاب کرده و مشغول تحصیل بودند. نمونه آماری تعداد 148 نفر از دانشجویان بودند که بر اساس جدول برآورد حجم نمونه از روی حجم جامعه مورگان و کرجسی (حسن‌زاده، 1383: 133) به شیوه تصادفی ساده انتخاب شدند. برای جمع‌آوری اطلاعات از پرسشنامه محقق ساخته حاوی 20 سؤال بسته پاسخ در طیف پنج درجه‌ای لیکرت با پایایی 0,86 مطابق آلفای کرانباخ استفاده شد. پس از جمع‌آوری، پرسشنامه‌ها بازبینی شد و موارد ناقص، شناسایی و از رده خارج شدند. در نهایت تعداد 129 پرسشنامه استخراج و تحلیل شد. برای تجزیه و تحلیل اطلاعات از روشهای آمار توصیفی در حد میانگین، انحراف استاندارد، واریانس، ضریب پراکندگی و آزمون Z تک‌گروهی و تحلیل واریانس یک‌راهه (F) استفاده شد.

ه) یافته‌ها

در این بخش، یافته‌ها بر اساس سؤالات به ترتیب در قالب جداول ذیل ارائه شده است.

1. برنامه درسی اخلاق اسلامی دانشگاهها تا چه حدی با نیازها و علاقت فردی دانشجویان تناسب دارد؟ پاسخ آزمودنی‌ها در جدول 1 قبل مشاهده است.

جدول 1: وضعیت تناسب برنامه درسی اخلاق اسلامی با نیازها و علاقت فردی دانشجویان

ردیف	سؤالات	R	cv	Z	Sd	n	\bar{X}	$\sum x$
1	میزان پاسخگویی درس اخلاق اسلامی به نیازهای فردی دانشجویان	8	39.7	4.16	1.16	127	2.93	372
2	میزان انطباق درس اخلاق اسلامی با نیازهای رشدی «کمال یابی اخلاقی دانشجویان»	6	38.15	4.01	1.1	128	2.89	370
3	میزان انطباق درس اخلاق اسلامی با نیازهای مربوط به درک و شناسایی ارزشهای اخلاقی دانشجویان	2	34.78	6.51	1.09	128	3.13	400
4	میزان انطباق درس اخلاق اسلامی با نیاز دانشجویان به معنای جویی	9	41.29	3.72	1.19	129	2.89	373
5	میزان انطباق درس اخلاق اسلامی با نیاز دانشجویان به احساس عزت نفس اخلاقی	4	35.81	5.22	1.07	129	2.99	386

1. Improvement
2. Cheng
3. Innovation

403	3.17	127	1.09	6.95	34.41	1	میزان انطباق درس اخلاق اسلامی با نیاز دانشجویان به نیایش	6
386	3.02	128	1.13	5.17	37.45	5	میزان توانایی مرتفع سازی درس اخلاق اسلامی به ادراک از خود و جهان دانشجویان	7
381	2.98	128	1.05	5.16	35.14	3	میزان انطباق درس اخلاق اسلامی با نیاز دانشجویان به احساس تعلق	8
375	2.95	127	1.14	4.48	38.6	7	میزان انطباق درس اخلاق اسلامی با نیاز دانشجویان به احساس خودمختاری	9
349	2.71	129	1.17	2	43.2	1 0	میزان انطباق درس اخلاق اسلامی با علاقت و انگیزه های فردی دانشجویان	10

بر اساس اطلاعات جدول 1، همه گویه‌های مربوط به تناسب برنامه درسی اخلاق اسلامی دانشگاهها با نیازها و علاقت دانشجویان، نمره Z بیشتر از Z بحرانی در سطح اطمینان 0,99 و خطای 0,01 برای آزمون تک‌گروهی (2,58) کسب کرده‌اند که نشان می‌دهد همه مؤلفه‌ها از مطلوبیت کافی در بین دانشجویان برخوردارند. مقایسه داده‌های مربوط به تک‌تک گویه‌ها بیانگر این است که گویه «میزان انطباق درس اخلاق اسلامی با نیاز دانشجویان به نیایش» با میانگین 3,17 و انحراف معیار 1,09 و ضریب پراکندگی 34,41 در بهترین وضعیت در بین گویه‌ها قرار دارد و پس از آن، به ترتیب: گویه «میزان انطباق درس اخلاق اسلامی با نیازهای مربوط به درک و شناسایی ارزشهای اخلاقی دانشجویان»، «میزان انطباق درس اخلاق اسلامی با نیاز دانشجویان به احساس تعلق»، «میزان انطباق درس اخلاق اسلامی با نیاز دانشجویان به احساس عزت نفس اخلاقی» و «میزان توانایی مرتفع سازی درس اخلاق اسلامی به ادراک از خود و جهان دانشجویان» به ترتیب در رتبه‌های 2 تا 5 قرار گرفته‌اند. تحلیل استنباطی داده‌ها بیانگر تناسب معنادار برنامه درسی اخلاق اسلامی دانشگاهها با نیازها و علاقت فردی دانشجویان است.

2. برنامه درسی اخلاق اسلامی تا چه حدی با نیازهای اجتماعی دانشجویان تناسب دارد؟ پاسخ آزمودنی‌ها در جدول 2 قابل مشاهده است.

جدول 2. وضعیت تناسب برنامه درسی اخلاق اسلامی با نیازهای اجتماعی دانشجویان

ردیف	سؤالات	R	cv	Z	Sd	n	\bar{X}	$\sum x$
1	میزان همسویی درس اخلاق اسلامی در برآورده کردن توقعات والدین از اخلاق دانشجویان	1	34.62	6.22	1.07	129	3.09	398
2	میزان همسویی درس اخلاق اسلامی در برطرف کردن نیازهای زندگی اجتماعی دانشجویان	6	40.73	2.41	1.11	129	2.74	353
3	میزان تناسب درس اخلاق اسلامی با نیازهای اخلاقی دانشجویان در محیط دانشگاهی (اخلاق حرفه‌ای دانشگاهها)	4	40.66	2.39	1.11	128	2.73	350

479 \blacklozenge ارزیابی میزان انطباق برنامه درسی اخلاق اسلامی با نیازهای دانشجویان

403	3.15	128	1.17	6.26	37.2	2	میزان پاسخگویی درس اخلاق اسلامی به نیازهای دانشجویان به درک صحیح از ارزشها و ضد ارزشهای اخلاقی	4
371	2.88	129	1.17	3.64	40.77	7	میزان تناسب درس اخلاق اسلامی در رفع نیازهای دانشجویان در شرایط واقعی زندگی	5
385	3.01	128	1.14	5.04	37.89	3	میزان تناسب درس اخلاق اسلامی در پوشش نیازهای فردی و اجتماعی دانشجویان در یک جامعه اسلامی	6
353	2.76	128	1.12	2.6	40.64	5	میزان تناسب درس اخلاق اسلامی در پوشش نیازهای اخلاقی دانشجویان در دانشگاه اسلامی	7

بر اساس اطلاعات جدول 2، همه گویه‌های مربوط به تناسب برنامه درسی اخلاق اسلامی دانشگاهها با نیازهای اجتماعی دانشجویان، نمره Z بیشتر از Z بحرانی در سطح اطمینان 0,99 و خطای 0,01 برای آزمون تک‌گروهی (2,58) کسب کرده‌اند که نشان می‌دهد همه مؤلفه‌ها از مطلوبیت کافی در بین دانشجویان برخوردارند. مقایسه داده‌های مربوط به تک‌تک گویه‌ها بیانگر این است که گویه «میزان همسویی درس اخلاق اسلامی در برآورده کردن توقعات والدین از اخلاق دانشجویان» با میانگین 3,09 و انحراف معیار 1,07 ضریب پراکندگی 34,62 در بهترین وضعیت در بین گویه‌ها قرار دارد و پس از آن به ترتیب: گویه «میزان پاسخگویی درس اخلاق اسلامی به نیازهای دانشجویان به درک صحیح از ارزشها و ضد ارزشهای اخلاقی»، «میزان تناسب درس اخلاق اسلامی در پوشش نیازهای فردی و اجتماعی دانشجویان در یک جامعه اسلامی»، «میزان تناسب درس اخلاق اسلامی با نیازهای اخلاقی دانشجویان در محیط دانشگاهی (اخلاق حرفه‌ای دانشگاهها)» و «میزان تناسب درس اخلاق اسلامی در پوشش نیازهای اخلاقی دانشجویان در دانشگاه اسلامی» به ترتیب در رتبه‌های 2 تا 5 قرار گرفته‌اند. تحلیل استنباطی داده‌ها بیانگر تناسب معنادار برنامه درسی اخلاق اسلامی دانشگاهها با نیازهای اجتماعی دانشجویان است.

3. برنامه درسی اخلاق اسلامی تا چه حدی با توقعات سازمانها و نهادهای اجتماعی از اخلاق دانشجویان همسویی دارد؟ پاسخ آزمودنی‌ها در

جدول 3 قابل مشاهده است.

جدول 3: وضعیت تناسب برنامه درسی اخلاق اسلامی با توقعات سازمانها و نهادهای اجتماعی از اخلاق دانشجویان

ردیف	سؤالات	R	cv	Z	Sd	n	\bar{X}	Σx
1	میزان انطباق درس اخلاق اسلامی با انتظارات سازمانها و نهادهای اجتماعی از اخلاق دانشجویان	3	35.12	4.3	1.01	129	2.88	372
2	میزان توانایی درس اخلاق اسلامی در آشنا کردن دانشجویان با سبک زندگی اسلامی	1	33.28	7.98	1.09	129	3.26	421
3	میزان توانایی درس اخلاق اسلامی در مرتفع کردن نیاز دانشجویان به پیشرفت (احساس ارزشمند بودن)	2	35.8	6.21	1.11	129	3.11	401

بر اساس اطلاعات جدول 3، همه گویه‌های مربوط به تناسب برنامه درسی اخلاق اسلامی دانشگاهها با توقعات سازمانها و نهادهای اجتماعی از اخلاق دانشجویان، نمره Z بیشتر از Z بحرانی در سطح اطمینان 0,99 و خطای 0,01 برای آزمون تک گروهی (2,58) کسب کرده‌اند، که نشان می‌دهد همه مؤلفه‌ها از مطلوبیت کافی در بین دانشجویان برخوردارند. مقایسه داده‌های مربوط به تک تک گویه‌ها بیانگر این است که گویه «میزان توانایی درس اخلاق اسلامی در آشنا کردن دانشجویان با سبک زندگی اسلامی» با میانگین 3,26 و انحراف معیار 1,09 و ضریب پراکندگی 33,28 در بهترین وضعیت در بین گویه‌ها قرار دارد و پس از آن به ترتیب: گویه «میزان توانایی درس اخلاق اسلامی در مرتفع کردن نیاز دانشجویان به پیشرفت (احساس ارزشمند بودن)» و «میزان انطباق درس اخلاق اسلامی با انتظارات سازمانها و نهادهای اجتماعی از اخلاق دانشجویان» به ترتیب در رتبه‌های دوم و سوم قرار گرفته‌اند. تحلیل استنباطی داده‌ها بیانگر تناسب معنادار برنامه درسی اخلاق اسلامی دانشگاهها با توقعات سازمانها و نهادهای اجتماعی از اخلاق دانشجویان است.

4. آیا بین میزان همسویی برنامه درسی اخلاق اسلامی با نیازهای فردی، اجتماعی و توقعات سازمانها و نهادهای اجتماعی تفاوت معناداری وجود دارد؟ پاسخ آزمودنی‌ها در جدول 4 قابل مشاهده است.

جدول 4: خلاصه تحلیل واریانس یک‌راهه F

شاخص منابع تغییرات	SS	DF	MS	F
B (مجذورات بین گروهی)	0,07	2	0,035	1,667
W (مجذورات درون گروهی)	0,37	17	0,021	
T (مجذورات کل)	0,44	19	-	

جدول 4 خلاصه تحلیل واریانس یک‌راهه برای مقایسه میزان انطباق برنامه درسی اخلاق اسلامی دانشگاهها با نیازهای و علاقه فردی، نیازهای اجتماعی و توقعات نهادها و سازمانها از دانشجویان در حوزه اخلاق را نشان می‌دهد. بر اساس آزمون تحلیل واریانس یک‌راهه، چون F محاسبه شده (1,667) از F بحرانی در سطح اطمینان 0,99 و سطح خطای 0,01 مقابل درجه آزادی 2 و 17 (6,11) کمتر است، پس فرضیه صفر رد می‌شود. با توجه به معنادار نشدن تفاوت میانگین گروهها با اطمینان 0,99، می‌توان نتیجه گرفت که میزان همسویی برنامه درسی اخلاق اسلامی با نیازهای فردی، اجتماعی و توقعات سازمانها و نهادهای اجتماعی معنادار نیست؛ هر چند وضعیت انطباق برنامه درسی با توقعات سازمانها و نهادهای اجتماعی به طور نسبی از بقیه بهتر و همسویی آن با نیازهای اجتماعی از همه کمتر است.

و) بحث و نتیجه‌گیری

هویت هر ملتی تا حدودی به برنامه‌های درسی آن جامعه بستگی دارد. برنامه‌ریزی درسی به عنوان فرایندی که محصول آن برنامه‌دستی است، درصدد است تا «شیوه یادگیری» یا «شیوه تفکر» را به فراگیران یاد دهد و سبک زندگی یا فرهنگ را به آنان بیاموزد. فرهنگ هر جامعه‌ای به عنوان «شیوه زندگی» از لایه‌های مختلف دانشهای بنیادین، ارزشها و نمادها و به عبارتی؛ از ابزار، تکنیک و روشها، نظم اجتماعی و مؤسسات موجود و ارزشها تشکیل یافته است (شریعتداری، 1386: 75). در برنامه‌ریزی باید بین این لایه‌ها نوعی انسجام و یکپارچه‌گی در نظر گرفته شود تا بتواند در شیوه زندگی افراد جامعه و ویژگی‌های متمایز آن از جوامع دیگر، که بستگی به ارزشها دارد و رکن تعلیم و تربیت را تشکیل می‌دهد و در ایجاد تراش هویتی هر جامعه‌ای برای تمییز فرهنگها تعیین کننده است، مؤثر واقع شود. (مهر محمدی، 1392: 87)

بنابر این، تعلیم و تربیت اخلاق و ارزشهای اسلامی در جامعه اسلامی ایران که خواست اراده جمعی ملت و دولت آن بر حفظ، توسعه، تحکیم و نهادینه کردن ارزشهای اسلامی قرار گرفته، ضرورت اجتناب ناپذیری است که در قالب سند دانشگاه اسلامی در سال 1392 به تصویب شورای عالی انقلاب فرهنگی رسید و تحت عنوان دروس «معارف اسلامی» و به صورت مشخص درس «اخلاق اسلامی، مبانی و مفاهیم» به ارزش دو واحد در حال تدریس است (معاونت امور دفاتر، اساتید و ...، 1391: 52). همچنین ارزشیابی مبتنی بر واقع نه تنها جزیی جدایی‌ناپذیر از برنامه‌ریزی درسی، بلکه مهم‌ترین عنصر در تعیین نیازها و ارزیابی میزان تحقق خواسته‌ها تلقی می‌شود. بی‌توجهی به نیازها در برنامه‌ریزی موجبات شکل‌گیری برنامه‌دستی پوچ یا عقیم و در نهایت، برنامه‌دستی خطی شده، زمینه مغفول ماندن نیازها را فراهم می‌کند (نتی و اجارگاه، 1388: 17). لذا ارزیابی میزان انطباق برنامه‌دستی با نیازها، زمینه‌ساز بهبود، نوآوری، تغییر و بهسازی برنامه و افزایش اثربخشی خواهد شد.

نتایج این تحقیق با هدف «ارزیابی میزان انطباق برنامه‌دستی اخلاق اسلامی با نیازهای دانشجویان» نشان داد:

1. از دیدگاه دانشجویان، بین برنامه‌دستی اخلاق اسلامی با نیازها و علائق فردی دانشجویان همسویی و انطباق وجود دارد که با اطمینان 0,95 مورد تأیید قرار گرفت. البته این انطباق در بعضی نیازهای درس اخلاق نمره بالاتر از میانگین مورد انتظار (3) کسب کردند که شامل انطباق درس اخلاق اسلامی با نیاز دانشجویان به نیایش، درک و شناسایی ارزشهای اخلاقی و مرتفع‌سازی نیاز دانشجویان به ادراک از خود و جهان است و در بقیه موارد از جمله: انطباق درس اخلاق اسلامی با نیازهای رشدی، انطباق درس اخلاق اسلامی با نیاز دانشجویان به معناجویی، انطباق درس اخلاق اسلامی با نیاز دانشجویان به احساس عزت نفس اخلاقی، انطباق درس اخلاق اسلامی با نیاز دانشجویان به احساس تعلق، انطباق درس اخلاق اسلامی با نیاز دانشجویان به احساس خودمختاری و انطباق درس اخلاق اسلامی با علائق و انگیزه‌های فردی، نمره کسب

شده کمتر از میانگین مورد انتظار است که باید مورد توجه برنامه‌ریزان قرار گیرد. به نظر می‌رسد در نیازسنجی برنامه‌درسی به نیازهای روز و اجتماعی دانشجویان در حوزه اخلاق اسلامی توجه چندانی نشده است.

2. دانشجویان معتقدند درس اخلاق اسلامی توانایی پوشش نیازهای اجتماعی آنان را دارد و این ظرفیت در برآورده کردن توقعات والدین از اخلاق دانشجویان، پاسخگویی به نیازهای دانشجویان در درک صحیح از ارزشها و ضد ارزشهای اخلاقی و پوشش نیازهای فردی و اجتماعی دانشجویان در یک جامعه اسلامی، با کسب نمره بالاتر از میانگین مورد انتظار (3) بیشترین همسویی را نشان می‌دهد. در مقابل، همسویی با نیازهای اخلاق حرفه‌ای دانشگاهها، پوشش نیازهای اخلاقی دانشجویان در دانشگاه اسلامی، برطرف کردن نیازهای زندگی اجتماعی و رفع نیازهای دانشجویان در شرایط واقعی زندگی، از نظر دانشجویان نمره قابل قبولی ندارند و نیازمند بازاندیشی‌اند. بر اساس «نظریه طراحی انگیزه‌ای آموزش»¹ کالر،² انگیزه یکی از مؤثرترین و مغفول‌ترین عوامل در کارایی برنامه‌های آموزشی است. انگیزش، انتخاب هدف یا فعالیت و میزان سعی و کوشش افراد برای رسیدن به آن هدف است. انگیزش، عملاً در جهت و شدت رفتار افراد منعکس می‌شود. انگیزش یادگیری شامل چهار عنصر علاقه، ارتباط، انتظار و رضایت است. علاقه، مرکب از انگیزختگی و کنجکاوی؛ ارتباط، زمینه‌ساز موفقیت فراگیران در دستیابی به اهداف، افزایش مسئولیت، همکاری و تعاون در یادگیری و پذیرش ارزشهای اجتماعی؛ انتظار، زمینه‌ساز افزایش موفقیت با افزودن تجارب و به کارگیری راهبردها و رضایت، زمینه‌ساز ماندگاری و تعهد بر حفظ ارزشهای شکل گرفته و تبلور در شخصیت افراد می‌شود (فردانشر، 1372: 146). بر این اساس، ژرف اندیشی در تطبیق درس اخلاق اسلامی با نیازهای نوآمد دانشجویان و ارتباط دادن آن با شرایط زندگی واقعی در افزایش اثربخشی و تحقق اهداف بسیار مؤثر خواهد بود.

3. از دیدگاه دانشگاه دانشجویان، برنامه‌درسی اخلاق اسلامی با توقعات سازمانها و نهادهای اجتماعی از اخلاق دانشجویان، همسویی و انطباق دارد که با اطمینان 0,99 تأیید شد. دو مورد از سه مورد مؤلفه‌های مورد مطالعه، نمره بالاتر از میانگین مورد انتظار (3) کسب کردند؛ بیشترین هماهنگی با توقعات از اخلاق دانشجویان، متناسب با سبک زندگی اسلامی است که بیانگر مطلوبیت نسبی برنامه‌درسی اخلاق اسلامی در توسعه و ترویج فرهنگ و شیوه زندگی افراد جامعه بر اساس اصول و آموزه‌های اخلاقی اسلام است.

4. با وجود بهتر بودن وضعیت نسبی میزان انطباق برنامه‌درسی اخلاق اسلامی با توقعات سازمانها و نهادهای اجتماعی، تفاوت بین همسویی با نیازهای فردی و نیازهای اجتماعی معنادار نیست. در عین حال، باید بین برنامه‌درسی و شرایط زندگی واقعی افراد هماهنگی و انطباق بیشتری وجود داشته باشد و مراکز و

1. *Motivational Design of Instruction*
2. Keller

483 **ارزیابی میزان انطباق برنامه درسی اخلاق اسلامی با نیازهای دانشجویان**

مؤسسات آموزشی باید بتوانند مدرسه اجتماع و تمرینی برای زندگی واقعی باشند. نتیجه به دست آمده تا حدودی بیانگر تفاوت برنامه درسی با شرایط واقعی زندگی در محیط بیرون و نیازمند تأمل است. بنابر این، برنامه درسی اخلاق اسلامی رویه و رویکردی متعادل نسبت به مقولات مختلف درسی داشته است.

پیشنهادها

1. با توجه به نتایج حاصل از تحقیق مبنی بر وجود تناسب و انطباق بین برنامه درسی اخلاق اسلامی و نیازهای فردی دانشجویان و شدت و ضعف آن در بعضی موارد، پیشنهاد می‌شود نیازسنجی هدف‌محور و مسئله‌محور برای ایجاد تناسب بیشتر با مشارکت دانشجویان، استادان درس اخلاق و متخصصان برنامه‌ریزی درسی صورت پذیرد.


2. با توجه به روند رو به رشد اخلاق‌گزینی و سست شدن بنیادهای اخلاقی در جوامع و در راستای تحکیم ارزشهای اسلامی در جامعه و مصون ماندن نسلهای آتی، پیشنهاد می‌شود در روشهای یاددهی و یادگیری به فعالیت‌محوری و تشویق دانشجویان برای تحقیق و تولید علم در قالب پروژه‌های درسی و ترجیحاً به شکل گروهی، ارزش بیشتری در نظام ارزشیابی قائل شوند.

3. تشخیص نیازهای واقعی یادگیرنده‌ها، برنامه‌ریزی را تسهیل کرده، تحقق خواسته‌ها را تسریع و تعمیق می‌بخشد. این مسئله لازمه تمرکز، انگیزش و مقدمه یادگیری محسوب شده، در تعیین میزان هزینه‌های آموزشی عامل مقتدری شمرده می‌شود. از طرف دیگر، نیازها متعدد، متنوع و در حال تغییرند؛ به خصوص تحولات حوزه فرهنگ و ارزشهای اخلاقی و اجتماعی تحت تأثیر جریانهای سیاسی و فرهنگی از جمله پست‌مدرنیسم و دیدگاههای فراعلیتی و مبتنی بر رد مطلق‌ها، بر کم‌رنگ شدن آنها تأثیرگذارند. بر این اساس، حفظ و پاسداشت ارزشهای اخلاقی مستلزم آموزش و تربیت برنامه‌ریزی شده و مبتنی بر نیازها و علائق فراگیران است. بنابر این، به نظر می‌رسد ارزیابی و سنجش نیازهای دانشجویان در حوزه اخلاق اسلامی و طراحی و تدوین محتوای مناسب با آن باید به جریانی مستمر، مستقل و مداوم توسط مراجع ذی‌ربط تبدیل شود.



منابع

- بازرگان، عباس (1380). ارزشیابی آموزشی. تهران، سمت.
- تقی پور ظهیر، علی (1391). مقدمه‌ای بر برنامه‌ریزی آموزشی و درسی. تهران: آگاه.
- حسن‌زاده، رمضان (1383). روشهای تحقیق در علوم رفتاری. تهران: ساوالان.
- خورشیدی، عباس (1382). ارزشیابی آموزشی. تهران: یسپرون.
- سند دانشگاه اسلامی (1392). تهران: شورای اسلامی شدن دانشگاهها و مراکز آموزش شورای عالی انقلاب فرهنگی.
- سیف، علی اکبر (1391). روان‌شناسی پرورشی نوین (روان‌شناسی یادگیری و آموزش). تهران: دوران، ویرایش هفتم، چ پنجاه و دوم.
- سیلور، جی. گالن؛ ویلیام الکساندر و آرتور امولویس (1378). برنامه‌ریزی درسی برای تدریس و یادگیری بهتر. ترجمه غلامرضا خوبی‌نژاد. مشهد: آستان قدس رضوی.
- شریعتمداری، علی (1386). چند میحث اساسی در برنامه‌ریزی درسی. تهران، سمت، چ دهم.
- فتحی واجارگاه، کوروش (1389). اصول برنامه‌ریزی درسی. تهران: ایران‌زمین.
- فتحی واجارگاه، کوروش (1388). برنامه درسی به سوی هویت‌های جدید. تهران: آگاه.
- فردانش، هاشم (1372). مبانی نظری تکنولوژی آموزشی. تهران: سمت.
- فضل‌الهی قمشی، سیف‌اله (1395). «ارزشیابی دانشجویان از برنامه درسی اجرا شده اخلاق اسلامی دانشگاهها». ماهنامه معرفت، سال بیست و پنجم، ش 9: 148-131.
- فضل‌الهی قمشی، سیف‌اله؛ فائزه ناطقی و محمد سیفی (1394). «ارزشیابی محتوای برنامه درسی اخلاق اسلامی دانشگاهها از منظر استادان دروس معارف اسلامی». دو فصلنامه اسلام و پژوهشهای تربیتی، سال هفتم، ش 2 (14): 69.
- کلاین، فرانسیس (1369). «استفاده از یک الگوی تحقیقاتی به عنوان راهنمای فرایند برنامه‌ریزی درسی». ترجمه محمود میرمحمدی. نظم و امنیت، ش 22.
- گروه مشاوران یونسکو (1378). فرایند برنامه‌ریزی آموزشی. ترجمه فریده مشایخ. تهران: مدرسه.
- لویه، یوسف (1379). دانشجویان، دروس معارف اسلامی نگرشها و گرایشها. قم: دبیرخانه مجمع گروههای معارف اسلامی.
- مجیدی، محمدرضا و ابوالقاسم فاتحی (1385). «سنجش نگرش دانشجویان نسبت به برنامه‌ریزی دروس معارف اسلامی». پژوهش و برنامه‌ریزی در آموزش عالی، ش 41: 56-37.

485  ارزیابی میزان انطباق برنامه درسی اخلاق اسلامی با نیازهای دانشجویان

- معاونت امور دفاتر، اساتید و مبلغان نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاهها (1391). عناوین و سرفصلهای جدید دروس معارف اسلامی (مصوبه جلسه 542 مورخ 83/4/23 شورای عالی انقلاب فرهنگی). قم: دفتر نشر معارف، چ سوم.
- ملکی، حسن و کورش بزرگی (1384). گزارش نقد و بررسی آموزش ارزشها در برنامه‌های درسی. تهران: دفتر مطالعات فرهنگی، کد موضوعی 410، ش 7467: 20-1.
- ملکی، حسن (1390). طراحی و اعتباربخشی الگوی مطلوب برنامه درسی هنر دوره ابتدایی ایران. فصلنامه مطالعات برنامه درسی، شماره 21، ص 63-23.
- موسی پور، نعمت اله (1385). طراحی الگوی ارزشیابی برنامه درسی و بکارگیری آن در ارزشیابی درس روشها و فنون تدریس دوره های تربیتی دانشگاههای ایران. تهران، دانشگاه تربیت مدرس.
- مهر محمدی، محمود (1381). برنامه‌ریزی درسی: نظرها، رویکردها و چشم‌اندازها. مشهد: آستان قدس رضوی.
- مهر محمدی، محمود (1392). «تبیین و بازشناسی ظرفیت نظریه‌های ناظر به آموزش ارزشها در نظام آموزشی از منظر اثربخشی». نوآوری‌های آموزشی، سال یازدهم، ش 46: 97-79.
- Deputy Offices, Teachers and Missionaries Representing the Supreme Leader of the University (2012). **Titles and New Guidelines of Islamic Studies Courses (Act 542 dated 23 meeting. 4. 83 the Supreme Council of Cultural Revolution)**. Qom: Office Nashre Maaref Publications, Third Edition.
- Fardanesh, H. (1993). **Theoretical Foundations of Educational Technology**. Tehran: Samt Publications.
- Fathi Vajargah, K. (2010). **Principles of Curriculum Planning**. Tehran: Iranzamin Publications.
- Fathi Vajargah, K. (2009). **Curriculum to New Identities**. Tehran: Agah Publications.
- Hasanzadeh, R. (2004). **Research Methods in the Behavioral Sciences**. Tehran: Savalan.
- **Islamic University Document** (2013). Tehran: Islamic Council of Universities and Training Centers of the Supreme Council of the Cultural Revolution.
- Khorshidi, A. (2003). **Educational Evaluation**. Tehran: Yastorun Journal.
- Klein, Francis (1990). "Using a Template as a Guide to Curriculum Planning Research". Translation Mahmoud Mirmohammadi. *Journal of Order and Security*, No. 22.
- Louye, Y. (2000). **Students Islamic Studies Courses Attitudes and Attitude**. Qom: Publisher Secretariat of the Assembly of Islamic Groups
- Majidi, M.R. & A. Fatehi (2006). "Evaluating Students' Attitudes toward Islamic Education Lessons Planning". *Research and Higher Education*, No. 41: 37-56.

- Maleki, H. & K. Bozorgi (2005). **Report on Evaluating of Learning Values in the Curriculum**. Tehran: Office for Cultural Studies, Code is 410, No. 7467: 1-20.
- Mehr Mohammadi, Mahmoud (2002). **Curriculum: Views, Approaches and Perspectives**. Mashhad, Razavi.
- Mehr Mohammadi, Mahmoud (2013). **“Determination and Recognition of the Capacity of Theories Concerning the Teaching of Values in Education, In Terms of Effectiveness”**. *Journal of Educational Innovations*, Year XI, No. 46: 79-97.
- Saif, A.K. (2012). **Modern Educational Psychology (Psychology of Learning and Education)**. Seventh Edition, Published Fifty and Second, Doran Publications.
- Shariatmadari, A. (2007). **Several Major Topic in Curriculum Development**. Tehran: Samt Publications, Tenth Edition.
- Silver, J.G.; A. William & A. Amoluiz (1999). **Curriculum for better Teaching and Learning**. Translation GH. Khoei Nezhad. Mashhad: Astan Quds Razavi.
- Taghipour Zaheer, A. (2012). **Introduction to Educational Programs and Curriculum**. Tehran: Agah Publications.
- Tyler, R.W. (1948). **Basic Principles of Curriculum and Instruction: Syllabus for Education 360**. Chicago: University of Chicago Press.
- UNESCO Advisory Group (1999). **Educational Planning Process**. Farideh Mashayekh Translations. Tehran: School Publications.

